

گزاره‌های دستوری در حوزه فقه اقتصادی قرآن کریم

محمد اسماعیل زاده

دیر زمانی است که رسم جامعه علمی بر این بوده که حوزه دانش‌ها را از یکدیگر جدا سازد تا دانش پیراسته از داوری‌ها و انگاره‌های پیشینی و شخصیتی مقبولیت عام یافته پیشرفت شتابان‌تری بیاید. در اقتصاد هم مدت‌ها است که این تقسیم‌بندی در اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری یا علم و مکتب رخ نمایانده است. این تفکیک موجب شده است تا بسیاری از باورهای ارزشی در قالب‌های نوین مورد بی‌مهری واقع شوند و این دو جانب جدای از هم حرکت کنند و از تعامل سازنده محروم شوند.

آدمی در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش علاوه بر قوانین حاکم بر طبیعت و نظام جهان برای خویش حریم‌ها و قانون‌هایی بنا نهاده است که بازگشت آن‌ها با عنصر اندیشه و خرد است. انسان در پرتو خرد خویش به صورت طبیعی و منطقی نخست هست‌ها را درک می‌کند و به عینیت‌ها توجه می‌نماید سپس قوانین و نبایدهایی را در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی خود در نظر گرفته و خود و دیگران را بدان‌ها می‌شناساند. این‌ها بدان معنی نیست که:

۱. انسان همواره در شناخت هستی و عینیت‌های جهان و زندگی خود به حقیقت راه یافته باشد.
۲. در پایبندی به بایدها و نبایدها همواره بر هست‌ها و معرفت درست تکیه داشته باشد.

بلکه بدون اینکه بر سه زمینه یاد شده تکیه و تأکیدی داشته باشیم، تنها در صدد بیان این نکته هستیم که شناخت هستی و هست‌ها و قانون‌مداری و قانون‌گذاری از لوازم زندگی انسان است.

هر چند نمی‌توان انتظار داشت که نگاه قرآن کریم به مسأله باید و هست مانند نگاه متکلمان یا فلاسفه اخلاق باشد؛ زیرا رسالت قرآن، پرداختن به مقوله‌های معرفتی درخور کتاب آسمانی است و مجال آن را ندارد که دغدغه‌های ریز تجربی بشری را به صورت موضوعی مورد داوری قرار دهد.

هر چند در برخی از آیات قرآن، پس از طرح توحید و هستی‌شناسی توحیدی، هیچ‌بایدی بر آن استوار نشده است اما در برخی آیات به روشنی این ترتیب و تفریع دیده می‌شود و هر چند این ترتیب و تفریع حکایت از یک استنتاج مربوط به قضایای منطق صوری نداشته باشد اما نوعی ترتیب طبیعی و متعارف را می‌رساند که برای آن، یک قانون و باید عقلی و عام است.

﴿اننى انا الله لا اله الا انا فاعبدونى واقم الصلوة لذكركى﴾ (طه / ۱۴)

برخی از آیات قرآنی با همین لحن وجود دارد: (انبیاء / ۲۵، مریم / ۶۵، یونس / ۳، غافر / ۱۲، انعام / ۱۰ تا ۱۰۳، مریم / ۳۶، زخرف / ۴۳، انعام / ۱۵۳ و ۱۵۵، انبیاء / ۹۲، حج / ۱، هود / ۱۲۳).
دسته‌ای دیگر از آیات، آیاتی هستند که پس از بیان حقایق جهان به گونه‌ای مستقیم انسان‌ها را به دین‌گرویی، ایمان و عبادت یا انفاق و... امر می‌کند آیاتی که از سوره مبارکه روم ۲۰ تا ۳۱ نمونه بسیار روشن از این دسته آیات هستند.
در یک جمع‌بندی می‌توان گفت:

اول: روش قرآن در استدلال مانند روش معمول و متعارف خردمندان و مخاطبان بشری است در قرآن نیز در بسیاری موارد کبرای کلی قضایا یاد نشده و به فهم مخاطب اکتفا شده است.

دوم: درست است که الزام در قضایا و نتایج الزامی در گرو قضایای اخلاقی است ولی نباید غافل ماند که صغرای این قضایا نقش جدی در شکل‌گیری نتیجه دارد و بدون صغری نتیجه به دست نمی‌آید. نقش صغری در قضایایی که می‌خواهند ترکیب عناصر جهان‌بینی و ایدئولوژی را از نظر اصلی یا ارزشی بودن ایدئولوژی ثابت‌کنند، بسیار تعیین‌کننده است. هر چند کبری می‌تواند مورد توافق جهان‌بینی باشد اما صغری در حوزه ویژه هر جهان‌بینی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند و موضوع الزام را فراهم می‌سازد. بنابراین، جهان‌بینی در هر ایدئولوژی نقش دارد هر چند که این نقش در تعیین متعلق الزامات کلی است.^۲

نگاهی به اقتصاد اثباتی و دستوری حوزه ارزش اقتصاد^۳ با رویکرد انفاق صدقات و وقف در جامعه اسلامی؛ تا اواسط قرن نوزدهم انقضای نظریه اقتصادی، ناخودآگاه ذهن را به سوی تضاد شدیدی سوق داده و ذهن نیز سعی کرد با ایجاد تمایز خود را از آن رها سازد و تمایز بین اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری را و نیز تمایز بین اقتصاد به عنوان یک علم با اقتصاد به عنوان یک فن را درک کند.

در تقسیم‌بندی اقتصاد به اثباتی و دستوری بیشترین بحث بر این متمرکز بوده است که امکان وجود یک اقتصاد آزاد از داوری‌های ارزشی و سپس محدودیت‌های آن بررسی شود و به هیچ وجه سعی نشده است که علت بروز این دو دستگی تشریح شود.

مسأله تفکیک اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری سابقه‌ای دیرینه دارد. عده‌ای این دو شاخه را یک علم می‌دانند در حالی که عده‌ای دیگر اصطلاح علم دستوری را مفهوم متناقضی به حساب می‌آورند که تاکنون اقتصاددانان معانی و

مفاهیم بسیار متنوعی برای این دو اصطلاح در نظر گرفته اند که این مفاهیم متنوع خود پیدایش دیدگاه‌های مختلفی را موجب شده است. با این حال آنچه مسلم است این است که ویژگی‌های اقتصاد تحقیقی به طور عمده عبارتند از:

۱. جدا بودن از تفکر متافیزیکی؛

۲. مبتنی بودن بر واقعیات قابل درک؛

۳. احتمالی بودن صحت آن؛

۴. غیر اخلاقی و غیر سیاسی بودن مسائل آن؛

۵. داشتن جنبه‌های توصیفی؛

۶. عملی بودن، عینی بودن، کارآیی داشتن و قابل اثبات بودن و اطمینان آوری آن.

ویژگی‌هایی هم که به طور عمده برای اقتصاد دستوری در نظر گرفته می‌شود به طور خلاصه عبارتند از این که اقتصاد بیشتر شامل قواعد ارزشی و معیارهای استاندارد است که در مقایسه با اهداف صریح هستند و کاربرد آن‌ها بیشتر ارزش‌یابی و ارزش‌گذاری سیاست‌های اقتصادی است و وسایل و فنون واسطه‌هایی برای رسیدن به اهداف معین هستند.

در حال حاضر علم اقتصاد با حذف جایگاه ارزش‌ها در نظام‌های روان‌شناسی دچار مشکلات و نابسامانی‌های بسیاری شده است. یکی از آسیب‌ها و مشکلات شناخت، ماهیت و عینیت اقتصادی است که خود، زمینه‌های پرسش‌های دیگری را به وجود آورده است از جمله: آیا ارزش‌ها در عینیت اقتصادی موجودند یا خیر؟ اگر وجود دارند چگونه است که بدون ملاحظه آن‌ها می‌توان عینیت را به طور کامل بررسی کرد؟... ما با دو چالش اساسی مواجه هستیم.

الف. روش‌شناسی: آسیب دیگر علم اقتصاد از نظر روش‌شناسی مسأله قضاوت ارزشی است، یعنی آیا این امر در اقتصاد محقق، خود موضوع تحقیق است یا اینکه تجربی بودن این علم با عینیت علمی آن سازگار است و آیا به این ترتیب می‌توان اصل آزادی ارزش را حفظ کرد؟ آیا امکان دارد که مبنای اطلاعات و معیار گزینش محقق، با توجه به هدفی خاص و معیار ارزشی صورت پذیرفته باشد؟ و از همه مهم‌تر این که آیا میان قضاوت ارزشی اقتصاددان با رجوع ارزشی او ارتباط منطقی وجود دارد یا خیر؟

ب. انسان‌شناسی اقتصادی: یکی دیگر از آسیب‌های اساسی علم اقتصاد، مسأله انسان اقتصادی است. انسان اقتصادی که جان استوارت میل آن را به عنوان پایگاه نظری اقتصاددانان مطرح کرده است، اکنون با سؤال جدی مواجه شده است. مفهوم انسان اقتصادی عقلایی بر اساس چه دیدگاه و بینش فلسفی معرفی و انتزاع شده است؟ آیا معیار تعیین‌کننده رفتار دلخواه است؟ یک انسان اقتصادی جعلی تا چه حدودی در تبیین عملکرد انسان واقعی و عینی موافق است؟

برنامه‌های اقتصادی با مادی تصور کردن انسان و ندیدن انگیزه‌های معنوی و ارزش‌های انسانی چه موضع‌گیری خواهند داشت؟ و... خلاصه بسیاری از پرسش‌های عقلی به این نکته باز می‌گردد.

اقتصاد چنان که در ذهن ما وارد کرده‌اند فاقد احکام ارزشی نیست و هم چنین اسلام از مفاهیم اثباتی درباره واقعیت‌های اقتصادی نیز خالی نمی‌باشد و لذا احتمال دارد که با جایگزین کردن احکام دستوری اسلامی به جای

احکام دستوری غیراسلامی و با در نظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی که تاکنون بشر تحت مفاهیم اثباتی اقتصاد شناخته است به اضافه ذخیره مفاهیم اثباتی اقتصاد اسلامی به نتایج قابل قبولی برسیم.

در متون دینی در تعدادی از آیات و روایات شریعت مقدس، با اشاره به ویژگی‌های رفتاری انسان و با یک گروه خاص به نحوه عملکرد و مواجهه آنان با مسائل اقتصادی پرداخته است که دقت و در نظر داشتن آن‌ها می‌تواند دستمایه مناسبی جهت تحلیل و مطالعه رفتارهای انسانی مؤثر بر حوزه اقتصاد در اختیار قرار دهد. مطالعه و بررسی این‌گونه ویژگی‌های رفتاری دارای اهمیت و ظرافت بیشتری است. البته اگر اتصال این منابع با مصدر وحی و علم لایزال الهی و دور از هر گونه خطا و اشتباه در نظر گرفته شود.

در این میان زمینه گزاره‌های اقتصاد اثباتی در قرآن به چهار گروه تقسیم می‌شود:

۱. گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل اقتصادی بر دیگر حوزه‌های فردی و یا اجتماعی؛
۲. گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل مؤثر بر مسائل اقتصادی؛
۳. گزاره‌های حاکی از رفتارهای اقتصادی؛
۴. گزاره‌های حاکی از قوانین و سنت‌های عام الهی که بر مسائل نیز حکومت می‌کنند.

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَا تُوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء / ۵)

و هی خواتیم اللّٰه فی ارضه جعلها مصلحة لخلقه و بها تستقیم شوونهم و مطالبهم^۵

این نکته به نظر می‌رسد که در آیه ۵، سوره مبارکه نساء اموال به اولیایکه نمایندگان جامعه‌اند نسبت داده شد و اموالکم نشان دهنده آن است که حق افراد در مالکیت خصوصی هیچ‌گاه نباید با حق جامعه در تضاد و تراحم باشد. علامه طباطبایی به این نکته عنایت خاصی دارند.^۶

اموال و ثروت ملت اگر بخواهد به شکل صحیح خود در جامعه گردش نداشته باشد، قوام جامعه تضعیف شده و جامعه دچار مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی فراوان خواهد گردید و امور و مسائل از استقامت و استواری لازم برخوردار نخواهد بود.^۷

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا اَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ اِلَّا اِنْ تَكُونُ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا

اَنْفُسَكُمْ﴾ (نساء / ۲۹)

عبارت «وَلَا تَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ» بعد از نهی از معاملات فاسد آمده است و از آن می‌توان استفاده کرد که اموال در جامعه ارزش بنیادی دارد. نکته جالب توجه آن که تعبیر قرآن آن است که خودتان را نکشید. گو این که روابط ناسالم اقتصادی نوعی انتحار اجتماعی است یعنی چنین جامعه‌ای با دست خود، خود را به ورطه هلاکت می‌کشاند. شاید بررسی

دقیق بسیاری از اقتصادهای ناسالم این حقیقت تلخ را برای ما آشکار می سازد.^۱

﴿ما أفاء الله على رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذی القربى والیتامی والمساکین وابن السبیل کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم﴾ (حشر / ۷)

بررسی در مورد این آیه سوره حشر و تحلیلی که در آیه آمده است، نشان می دهد که علت منصوص قابل تعمیم بوده و انفاقات مالی و مسائل مالی به نحو عام را می توان به این حکم استناد کرد و این آیه مخصوص انفال نیست.

در این زمینه سید قطب در تفسیر خود می گوید:

این آیه نشانگر قاعده اقتصادی مهمی است که جنبه مهمی از پایه های نظری و نظریه اقتصاد اسلامی را نشان می دهد. مالکیت خصوصی در این قانون محترم شمرده شده است ولی محدود به این است که مال بین ثروتمندان با تناوب در گردش نباشد و فقر از دسترسی به آن محروم نباشند. هرگونه قانونی که مالی را انحصاراً در سلطه ثروتمندان قرار دهد، قانونی بر خلاف اقتصاد اسلامی است و در روابط اقتصادی نیز خلل وارد می سازد و کلیه پیوندها و معاملات در جامعه اسلامی باید طوری تنظیم شود که منتهی به این وضع نشود.

قرآن با مذموم دانستن گردش انحصاری اموال در دست عده ای مخصوص، عدالت در توزیع ثروت و درآمدها را راهی برای عدم تحقق تداول ثروت در دست سرمایه داران معرفی می کند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فتقعد ملوماً محسوراً﴾ (اسراء / ۲۹)

﴿والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواماً﴾ (فرقان / ۶۷)

از مکتب اهل بیت علیهم السلام چنین برمی آید انگیزه مصرف از دیدگاه اسلام، رفع نیاز واقعی انسان در تأمین معاش بارعایت میانه روی و موقعیت زمانی و مکانی است. بنابراین مصرف بیش از حد نیاز مصرف در غیر مورد نیاز، اتلاف مال قابل استفاده و بد استفاده کردن هم از مصادیق اسراف و تبذیر است. همان اقلام مصرفی، هم مصرف کننده و هم کیفیت مصرف را معین می کند. از این رو حضرت امیر مؤمنان، علی (ع) می فرماید: «اعطاء المال فی غیر حقہ تبذیر و اسراف»

خداوند در قرآن کریم اسراف و نمونه های آن را بیان کرده است.

﴿واحسن کما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین﴾ (قصص / ۷۷)

﴿واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث والنسل والله لا یحب الفساد﴾ (بقره / ۲۰۵)

جای تردید نیست که یکی از بزرگ ترین مفاسد اجتماعی در دنیای امروز نابسامانی های ناشی از فقر و گرسنگی توده های عظیمی از جمعیت جهان است.

تحقیقات و بررسی های جهانی که متخصصان تاریخ و جامعه شناسی به عمل آورده اند نشان می دهد که عدم توزیع عادلانه و به تعبیر دیگر شکست نظام های اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیسم، عامل مؤثر در ناکامی های اقتصادی و اجتماعی جهان معاصر است.

راهکارهای اساسی دین مبین اسلام، توجه به زکات، انفاق، وقف و... می باشد در اسلام بر پرداخت زکات آثاری

تبیین و تشریح شده است.

الف. پرداخت زکات مانند نماز عامل تقویت روحی است، ﴿لا خوف علیهم ولا هم یحزنون﴾؛

ب. پرداخت زکات موجب خداوند می‌گردد.^{۱۱}

ج. زکات علاوه بر تزکیه نفس، تزکیه مال از ناخالصی است و تا این حق جدا نشود مال

پاکیزه و خالص نمی‌گردد و مال مورد زکات عیناً متعلق به حق دیگران است.^{۱۲}

هـ. پرداخت زکات عامل جلب یاری خداست.^{۱۳}

و. زکات عامل هدایت ویژه خدا و مؤثر در بالا بردن ایمان و قدرت مقاومت و موجب

محبت و برادری می‌گردد.^{۱۴}

در قرآن کریم جمع آوری مال و زرانده‌وزی خود به خود یعنی در ماهیت خود بدون توجه

به عناوین ثانویه مذموم شمرده شده است چرا که تکاثر و انباشت مال موجب تمرکز در

حیطه قدرت و یا افرادی خاص می‌شود و این امر با دو عنصر عدالت اقتصادی که یکی از

اهداف اقتصادی اسلام است ناسازگار و در تضاد می‌باشد. دلیل آن این است که:

۱. مانع از کفاف اقتصادی دیگر افراد جامعه و رفاه عمومی می‌شود.

۲. مانع از تعدیل ثروت و موجب افزایش فاصله بین فقیر و غنی می‌گردد.

انفاق عامل تزکیه و آرامش است و دارای ثمرات و برکتی در جامعه اسلامی است.

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿خذ من اموالهم صدقه تطهرهم وتزکيهم بها وصل علیهم ان صلواتک سکن لهم﴾ (توبه / ۱۰۳)

﴿و مثل للذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبیتاً من انفسهم کمثل جنۃ بریوة اصابها وابل...﴾ (بقره / ۲۶۵)

امام علی بن موسی الرضا (ع) در این زمینه می‌فرماید:

المسلفة مفتاح الیوم می

﴿الشیطان یعدکم الفقر ویأمرکم بالفحشاء﴾ (بقره / ۲۶۸)

﴿ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولكن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر﴾ (شوری / ۲۷)

— ﴿ان الانسان لیطغى ان رآه استغنى﴾ (علق / ۷ - ۶)

— ﴿کلوا من طیبات ما رزقناکم ولا تطغوا فیه﴾ (طه / ۸۱)

— «ولا تقرقنی فاطمی»^{۱۵}

— امام باقر (ع) می فرماید: «ولا ترزقنی رزقاً یطغینی»^{۱۶}

«نعم العون علی تقوی الله الغنی»^{۱۷}

عوامل کمبود:^{۱۸}

بسیاری از اقتصاددانان علت پیدایش علم اقتصاد را کمیابی منابع دانسته اند در مورد مفهوم کمیابی منابع دو دیدگاه در مکاتب اقتصادی و نظریه اقتصاددانان مشاهده می شود. این نکته قابل ذکر است از همه امکانات طبیعی و انسانی استفاده نمی شود و درصد بالایی از زمین های قابل کشت جهان زیر کشت نمی رود.^{۱۹} به گونه ای که در آمریکای لاتین همواره تضادی شدید بین فقر انسان ها و غنای طبیعت وجود دارد.^{۲۰} و در آفریقا به جای سخن از اضافه جمعیت باید از اسراف منابع طبیعی سخن گفت.

منابع غذایی دریایی نیز بسیار اندک مورد استفاده قرار می گیرد و نیز منابع بسیاری به هدر می رود. به عقیده کلنین کارک و چند محقق دیگر اگر همه زمین های قابل کشت کشورهایمانند (هلند و دانمارک) مورد بهره برداری قرار می گرفت دنیا می توانست به ۱۴ میلیارد جمعیت غذا دهد.^{۲۱} پل بروک نیز می نویسد: با منابعی که امروزه در دست است می توان نزدیک به ۴۰ میلیارد انسان را تغذیه کرد.^{۲۲} خوشبختانه جدیدترین ابتکارات در زمینه استحصال از منابع طبیعی و غذایی، نوید تحول اساسی در قدرت بهره برداری از منابع را می دهد. در اسلام ارزش ها ملازم با افزایش نعمت است.

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ولكن کذبوا فأخذناهم بما كانوا یکسبون﴾ (اعراف/۹۶)

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿فقلت استغفروا ربکم انه کان غفاراً یرسل السماء علیکم مدراراً و یمددکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهاراً﴾ (نوح/ ۱۲ - ۱۰)

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿ولو انهم اقاموا التوراة والانجيل وما انزل اليهم من ربهم لأكلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم﴾ (مائده / ۶۶)

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان عذابي لشديد﴾ (ابراهيم / ۷)

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين﴾ (آل عمران

/ ۱۲۵)

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض﴾ (اعراف / ۹۶)

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿وما انفقتم من شىء فهو يخلفه وهو خير الزاقتين﴾ (سبا / ۳۹)

﴿من ذا الذى يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له اضعافاً كثيرة﴾ (بقره / ۲۴۵)

﴿وما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم وانتم لا تظلمون﴾ (انفال / ۶۰)

﴿الم تر الى الذين بدلوا نعمت الله كفوفاً واحلوا قومهم دارالبوار﴾ (ابراهيم / ۲۸)

﴿وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم و امانكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله﴾ (نور / ۲۴)

«النكاح يزيد فى الرزق»^{۳۳}

«اتخذوا الامل فانه ارزق لكم»^{۳۴}

﴿ومن يتق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب﴾ (طلاق / ۲ - ۳)

﴿ومن يتق الله يجعل له من امره يسراً﴾ (طلاق / ۴)

گزاره های اثباتی از رفتارهای اقتصادی بر سه قسمت است:

۱. طبیعی بودن علاقه به تجمل؛^{۳۵}

۲. تجمل گرایی عامل فاصله طبقاتی؛^{۳۶}

۳. همراهی تجمل گرایی با زورگویی.^{۳۷}

در مکتب ما ویژگی های اثباتی مترفان در قرآن عبارتند از:

۱. کوشش بی گیر، در راه تنعم و لذت طلبی؛
 ۲. شکایت پیشه‌گر آسایش طلبان؛
 ۳. استکبار آسایش طلبان و مترفان؛
 ۴. صف آرایی مترفان در مقابل مؤمنان.
- شاخص‌های این گزاره‌های اثباتی حاکی از رفتار اقتصادی در قرآن کریم عبارتند از:

﴿ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطراً﴾ (انفال / ۴۷)

– ﴿وكم اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم الا قليلاً وكنّا نحن الوارثين﴾
(قصص / ۵۸)

آیات سوره كهف از آیه ۳۲ – ۴۴، به ویژه آیه ﴿وما أظن ان تبید هذه ابدأ﴾ (كهف / ۳۵)

﴿زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين والقناطير المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام والحرث﴾ (آل عمران / ۱۴)

– ﴿وانه لحب الخير لشديد﴾ (عاديات / ۸) ﴿تحبّون المال حباً جماً﴾ (فجر / ۲۰)

– ﴿ان الانسان خلق هلوغاً اذا مسّه الشر جزوعاً واذا مسّه الخير منوعاً الا المصلين﴾ (معارج / ۲۲ – ۱۹)

– ﴿انما الحيوۃ الدنيا لعب و لهو و زينة تفاخر بينكم و تكاثر في الاموال و الاولاد﴾ (حديد / ۲۰)
﴿الهاكم التكاثر﴾ (تكاثر / ۱)

– ﴿وكان الانسان كفوراً﴾ (اسراء / ۶۷)

– ﴿ان الانسان لظلوم كفار﴾ (ابراهيم / ۳۴)

– ﴿ان الانسان لربه لكنود وانه على ذلك لشهيد﴾ (عاديات / ۷ – ۶)

– ﴿ان الانسان لكفور مبين﴾ (زخرف / ۱۵)

– ﴿قل لو انتم تملكون خزائن رحمة ربي اذا لامسكنم خشية الانفاق وكان الانسان قتوراً﴾ (اسراء / ۱۰۰)

﴿وكان الانسان عجولاً﴾ (اسراء / ۱۱)

﴿يدع الانسان بالشر دعاء بالخير﴾ (اسراء / ۱۱)

این گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد عبارتند از:

﴿ذلك بان الله لم يك مغيراً نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وان الله

سميع عليهم﴾ (انفال / ۵۳)

﴿ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم﴾ (رعد / ۱۱)

﴿ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا

لعلهم يرجعون﴾ (روم / ۴۱)

بر اساس جهان‌بینی اقتصادی اسلام دو مطلب مسلم است:

الف. رفاه مادی هدف غایی زندگی دنیوی نیست

ب. رفاه مادی برای دست‌یابی به هدف غایی بهشت رضوان و مقام قرب الهی زمینه‌ای خوب است.

در قرآن کریم نیز می‌خوانیم: ﴿من يتق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب﴾ (طلاق / ۲ - ۳) برخی از روایات نیز نشان می‌دهد که یاد خدا و نعمت‌های او زندگی را گواراتر می‌سازد. در حدیث قدسی می‌فرماید: گواراترین زندگی، زندگی کسی است که از یاد من سستی نرزد، نعمتم را فراموش نکند، به حق من جاهل نباشد و شب و روز در پی رضای من به سربرد.^{۲۸}

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً﴾ (طه / ۱۲۴)

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا

يكسبون﴾ (اعراف / ۹۶)

﴿ومن يتوكل على الله فهو حسبه﴾

﴿ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم﴾ (محمد / ۷)

﴿ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار و مالكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون﴾

﴿ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً﴾ (طه / ۱۲۴)

- ﴿ان مع العسر يسراً﴾ (انشراح / ۶)
- ﴿س يجعل الله بعد عسر يسراً﴾ (طلاق / ۷)
- ﴿فأما من أعطى واتقى وصدق بالحسنی فسنيسره لليسرى﴾ (ليل / ۷ - ۵)

﴿فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون﴾
(انعام / ۴۴)

﴿ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها في الدنيا و تزهق انفسهم وهم كافرون﴾ (توبه / ۸۵)
﴿ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خیر لانفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثماً ولهم عذاب مهین﴾ (آل عمران / ۱۷۸)

﴿ولو كنت اعلم الغیب لا ستكثر من الخیر وما مستنی السوء﴾ (اعراف / ۱۸۸)
﴿وما تدري نفس ماذا تكسب غداً﴾ (لقمان / ۳۴)

۱. جوادی، محسن، مسأله بایدها و هست، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۱.
۲. علوی نژاد، سید حیدر «بایدها و هست در قرآن»، پژوهش های قرآنی، شماره ۱۳ - ۱۴، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.
۳. به نقل از پیروومینی، فلسفه و اقتصاد، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر: تهران، شرکت انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۷۴.
۴. زریباف، سید مهدی، علم اقتصاد نوین از دیدگاه مکاتب روش شناسی، نامه علوم انسانی ۱، بهار ۷۹، ص ۶۵-۷۰.
۵. حکیمی، محمد رضا، برادران: الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم ج ۳، ص ۶۹.
۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات، ج ۴، ص ۱۸۲.
۷. جهت اطلاع رجوع شود.
- منتظر ظهور، محمود، اقتصاد خرد و کلان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۵۹، ص ۴۱۶ به بعد.
- طالقانی، محمود، اسلام حکومت، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴، ص ۱۸۰، ۲۴۳.
۸. موسوی، سید جمال الدین، پیام های اقتصادی قرآن؛ جمعی از نویسندگان در تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۶، طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۲۳۰.
۹. سید قطب، فی خلال القرآن، ج ۲۸، ص ۳۷.

۱۰. توبه / ۱۰۴ - ۱۰۳.
۱۱. اعراف / ۱۵۶.
۱۲. حج / ۴۱.
۱۳. نمل / ۱ - ۳، توبه / ۱۱ - ۱۷.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۳؛ حکیمی، الحیاة، ص ۲۸۴ - ۴۳۷.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹، ص ۸۷.
۱۶. عمان، ج ۹۷، ص ۳۹۷؛ حکیمی، الحیاة، ج ۴، ص ۲۷۹.
۱۷. قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصاد: انتشارات دانشگاه تهران، ص - ۷۸.
۱۸. ایولاکست، جغرافیای کم رشدی، ترجمه سرویس مهمی، ص ۴۹.
۱۹. باران بل، اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزادمنش، ص ۳۸۸.
۲۰. سودی، آلفرد، مالتوس دور مائسی، ص ۲۰۶.
۲۱. بروک بل، جهان درین بست، ترجمه امیرحسین جهاننگلو، ص ۳۲۲.
۲۲. همان.
۲۳. میزان الحکمة، ج ۴، باب ۱۶۳۶.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳ - ص ۲۱۷.
۲۵. اعراف / ۳۲ و ۳۱؛ نحل / ۸.
۲۶. کهف / ۲۸.
۲۷. شعرا / ۳۰ - ۱۲۸.
۲۸. بحارالانوار، ج ۷۰ و ۲۸؛ جهت اطلاع در این حوزه به آثار ذیل رجوع شود.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۲۳۴.
- قرانتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه در راه حق، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.
- باقری المحسنی، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، دکتر میرآخور، ترجمه حسین گلریز، تهران نشر، مؤسسه بانکداری ایران ۸۳.